

پخش راه سمرقند و بخارا  
تازه‌های فرهنگی از

نکته‌ها و تازه‌های فرهنگی از بخارا و سمرقند و... (۳)  
رحیم مسلمانیان قبادیانی

# نگته‌ها و تازه‌های فرهنگی و تاریخی از دوشنبه، بخارا، سمرقند و... (۳)

## ادب

- شماره ۴ (۴۰) این مجله، سراپا به حکیم عمر خیام نیشابوری اختصاص یافته، و از جمله مطالب زیر را در بر گرفته است:
- زادگاه خیام در مسیر تاریخ (قهار رسولیان)،
  - شاعری توانا، حکیمی بی‌مانند (شادی شاکرزاده)،
  - رباعی‌های اصیل عمر خیام و معیارهای شناخت آنها (میرزا ملا احمدوف)،
  - معنی نقد متنی رباعیات خیام (الم‌خان کوچروف)،
  - آثار علمی و فلسفی عمر خیام (کریم‌جان قادروف)،
  - عمرخیام و حاجی حسین کنگرتی (عثمان نظیر)،
  - حضرت خیام، گیل و آدم (مقصود حاج محمد)،
  - ابوالفرج رونی و عمر خیام (اسکندر اکرامف)،
  - نگارشی از آثار علمی عمرخیام (خیال بابایف)،
  - بدبعبیت رباعیات عمرخیام (عصمت‌الله هدایت‌وف)،
  - جام‌گردان (نورمحمد ظهوری)،
  - منطق خیام و علم امروز (جمعه شمس‌الدین‌وف)،

- خیام در هندوستان (حبیب‌الله رجب وف)،  
- خیام و ادبیات تاتار (مرتضی زین‌الدین وف)...

داستان کوتاه گ. ک. چسترتون «عمر خیام و می مقدس» (ترجمه دکتر شاکرزاده) نیز به چاپ رسیده است. همین طور «پیر نیشاپور» شادروان استاد زرین‌کوب نیز جای شایسته برای خود پیدا نموده است. از مطالب مهم دیگر - متن خطبه «الغزاه» می‌باشد که آن را حکیم بوعلی سینا تألیف کرده حکیم عمر خیام به فارسی برگردانده است. این رساله را دکتر سیدرحمان سلیمانی تهیه کرده است.

### گل مراد

از این فصلنامه علمی و ادبی و فرهنگی که در دوشنبه شهر، با سردبیری دکتر پیوندگل مرادزاده، به زبان‌های تاجیکی و روسی چاپ و نشر می‌شود، دو شماره دسترس گردید. شماره هشتم که به هزارمین سالگرد دولرداری سامانیان اختصاص یافته است، با شعر شادروان لایق شیرعلی «آل سامان» آغاز یافته و با شعری در همین موضوع از استاد بازار صابر «دیوار بخارا» به پایان می‌رسد.

مطلع این دو شعر که در ادبیات ما شهرتی بسزا دارند، به قرار ذیل است:

مسندی در حلقه صحرائشینان

بوستانی در میان شوره‌زاران

گلخنی در لابلای کوردود

پهلوانی در میان ناقوانان!

(وآل سامان)

آل سامان!

پُشت گردان مانده بر صحرائشیان تا حال

همچنان اسماعیل سامانیان تا حال

مانده از مشیت کلوخش مُشت‌ها تا حال

گوئیا می‌ترسد از بی‌پُشت‌ها تا حال

(«دیوار بخارا»)

«بخارا - پایتخت دولت سامانیان» (دکتر یوسف شاه یعقوب شاه)، «دولت سامانیان: اوج و سقوط» (دکتر حق‌نظر نظروف)، «سامانیان در «صورةالعرض» ابن حوقل (دکتر قربان بابایف)، «شهرسازی در زمان سامانیان» (دکتر عبدالله جان میر بابایف)، «سامانیان و تشکل ادبیات فارسی تاجیکی» (دکتر سعدالله عبدالله یف)، «ما همه از آب «رودک» خورده‌ایم» (دکتر ق. ستاری)، «تفسیر طبری و جایگاه آن در نشر علمی و ادبی زمان سامانیان» (خانم دکتر غفاروا)، «دربارة زمینه‌های ژشد مثنوی در زمان سامانیان» (دکتر نظام‌الدین زاحدوف)، «تاریخ در نمایش

نامه‌های استاد ساتم‌خان الغزاده (آقای الف. چاری‌یف)، «تمدن موسیقی در عهد سامانیان و افکار موسیقی یونان» (دکتر عسکر علی‌رجب)، و «پزشکی در زمان سامانیان» - دکتر یوسف نورعلی و دکتر س. نادروف) - از دیگر مطالب این مجله می‌باشند...

در همین شماره، ۹ شعر بانو فرزانه نیز به چاپ رسیده که نخستین از آن‌ها «آواز خون» عنوان دارد؛ و تکه آغازین آن این است، با یادداشتی از خود شاعر:

«در روزهای فرهنگ تاجیکستان [در جمهوری ازبکستان] هواپیمای تاشکند از طریق بخارا به خوارزم پرواز می‌نمود. چون در بخارا توقف کرد، من که از روی برنامه باید به خیوه می‌رفتم، بدون اجازه بدرقه، این جا فرود آمدم...

سلام، صبح بخارا، سلام نفعه گل‌های باستان!

سلام، کوثر و رکنی و مولیان من!

چه‌سان ادامت ره می‌کنم که بر سالن طیاره داخل شد

نفس یار مهربان من.

چه‌سان ادامت ره می‌کنم که ناله نی می‌آید

ناله گرم استخوان نیاکان من.

هم سفر! صدای خون مرا می‌شنوی؟

خون من می‌دهد آواز: بخارا! بخارا! بخارا!

آدم. سوی آغازهای روشن خود.

جانب مطلع خورشید آریایی.

میوه معرفتم خواهد داد

باغ اسماعیل سامانی.

خطوط مقبره‌اش را به نگین دل خود

انتقال خواهم کرد.

از درختان پیر

عزیزم شده‌ای را سوال خواهم کرد...

شماره نهم از فصلنامه «گل مراد» با دو مطلب در رابطه با شاعر شهیر ایرانی، شادروان نادر پور که پارسال درگذشت، آغاز می‌یابد. نخست، مقاله مفصل شاعر با عنوان «ایرانیان: یکه سواران دوگانگی» (ص ۳ - ۴۴)، سپس - سوگنامه بازار صابر، رحیم قبادیانی و شادمان یوسفی «سنگ مزارش را به بوسه سفته خواهند کرد...» (ص ۴۵ - ۴۶)، همچنین «شعر انگور» (ص ۴۷) به چاپ رسیده‌اند.

در این شماره مقالاتی در موضوعات گوناگون و مهم علمی و فرهنگی درج گردیده‌اند،

چنانچه:

خانم زلفیه یونس زاده (سمرقند): «حجت مهم و منبع بی‌بها» (ص ۴۸ - ۵۴) - درباره نوع ادبی  
- دکتر جمعه همراه (سمرقند): «جهان را به بد نسپریم» (ص ۷۲ - ۷۷) - از روزگار و آثار نویسنده  
و مترجم معروف حسن عرفان سمرقندی؛

- خانم زلفیه صمداوا - راجع به ترجمه‌های تاجیکی آثار لئو تولستوی (ص ۷۸ - ۹۰)؛

- آقای الف. یار محمديف: «نخستین نشریه‌های کشور ترکستان» (ص ۹۱ - ۹۷)؛

- خانم فیروزه شمس‌الدین اوا - درباره رمزهای رنگ در شعر امروز تاجیک (ص ۹۸ - ۱۰۴)؛

- آقای س. قلندروف: واژه‌های عربی در داستان استاد عینی «مرگ سودخود» (ص ۱۰۸ - ۱۱۲)؛

- آقای ن. الف. جوره‌یف: قافیه در تعبیرهای مجازی (ص ۱۱۳ - ۱۱۹)...

مقاله خانم دکتر خورشیده آه‌خاناوا «نشر آثار پیر و سلیمانی و کلیات علمی او» (ص ۵۵ - ۷۱)  
از جمله ارزشمندترین مطالب «گل مراد» است. «پیر و عمر خیلی کوتاه دید: ۳۴ سال؛ در آسمان  
شعر تاجیک چون ستاره تابناکی درخشید و ناپدید گشت؛ ولی شعر او امروز هم، فردا هم، و  
قرن‌های آینده هم دل‌ها را تسخیر خواهد کرد، حس‌ها را سیقل خواهد داد، در کامل گردیدن انسان  
سهم خواهد گذاشت» (ص ۵۵).

پیر - نه تنها کم سن، بلکه شاعری کم سخن هم بود، و اما آنچه گفته است، بلند و ارزشمند  
است - هم از جنبه هنری، هم از نگاه مضامین اجتماعی. آثارش، پس از مرگش، بارها چاپ شد،  
اما همه در شکل گزیده بود؛ حتی دیوانش (۱۹۷۱ / ۱۳۵۱) کامل نبود؛ یعنی قانون سانسور  
ایدئولوژی شدیداً اعمال می‌شد. از این رو، تهیه علمی آثار آن شاعر گرانمایه - یک ضرورت  
فرهنگی و اجتماعی می‌باشد.

در رابطه با پیر و نکته‌ای به یاد می‌رسد که گفتنی است. اینجانب سپارش داشت که این شاعر  
را برای «دانشنامه جهان اسلام» معرفی کند. در اختیار، از جمله «دیوان پیر» بود؛ در ص ۱۶ از  
این کتاب، در حاشیه «مثنوی»، پس از بیت چهارم، این بیت را افزوده:

استریا او راست ملک و وطن

شب و روز در اشتیاق وطن

و یادداشتی هم کرده‌ام: موشح است: یوسف اول. و اما متأسفانه، منبع را آن زمان ذکر  
نکرده‌ام. در یادداشت‌های ژانویه اول - همان دوست پیر که شعر به وی بخشیده شده است، و  
مقاله ارزشمند دکتر ارژی بچکا نیز، این موشح شکافته نشده است. در بررسی سوئمند خانم دکتر  
آه‌خاناوا نیز این کار انجام نشده است، اگرچه بیت حذفی برقرار شده و به علت اصلی این حادثه  
اشاره رفته است («به خاطر سیاست حکومت شوروی نسبت به شخصان خارجی») بنابراین عدم  
منبع، در دانشنامه (ج ۵، ص ۹۳۰ - ۹۳۲)، به ناچار تنها به موشح بودن «مثنوی اشاره مجملی  
رفت و بس.

شماره نهم مجله گل مراد، با نقد کتاب دکتر نظام‌الدین مفسردوف «ادبیات عربی زبان فارس و تاجیک از استیلاي عرب تا عهد سامانیان» (ص ۱۲۰ - ۱۲۶) به پایان می‌رسد که آن را استادان دانشگاه دولتی تاجیکستان: دکتر عبدالشکور عبدالستار و بدرالدین مفسردوف نوشته‌اند.

به نظر می‌رسد که این فصلنامه، میان نشریه‌های کم شمار تاجیکستان، از نگاه ارزش علمی درونمایه، جای برتر را به خود اختصاص داده است.

### پروسی یک مجله ایرانی در روسیه

احساس می‌شود که از روزگار فروپاشی شوروی، توجه ایرانشناسان روسیه به ایران، و تاریخ و ادب و فرهنگ آن، صمیمانه‌تر و پُربارتر شده است. با وجود مشکلات فراوانی که جماهیر مشترک المنافع، از جمله روسیه، گرفتارش هستند، پژوهشهایی صورت گرفته و ترجمه‌هایی از آثار بزرگان پیشین انجام یافته‌اند. کتاب تازه دکتر محمدنظر میرزاده «مجله سخن» در نظام روزنامه‌نگاری ادبی ایران (سال‌های ۱۹۴۰ م - ۱۹۷۰ م)<sup>۱</sup> از مثال‌های تازه خرسندی بخش بشمار می‌آید.

پیشگفتار کتاب معرفی کوتاهی است از ایران؛ آغازش بدین ترتیب:

«پارس، به عنوان دولت، بالغ بر ۲۵۰۰ سال پیش از این، توسط کوروش کبیر هخامنشی، بنیانگذاری شده، و به امتداد چند قرن لاکه واژه نخستین امپراتوری جهان» (محمدعلی ندوشن) محسوب گشته، و مدت مدیدی، تاکنون هم یکی از مراکز تمدن خاور زمین باقی مانده است.

ایران کنونی بخشی از سرزمین باستانی پارسیان است و آن زادگاه شاه کارهای ادبیات جهانی - آثار فردوسی، ابن سینا، سعدی، حافظ، خیام، مولوی، و... می‌باشد. این کشوریست که در طول قرون متمادی اقوام گوناگون و ادیان مختلف و فرهنگ و جهان‌بینی بسیاری راه مانند: یونان باستان، زرتشتی، اسلامی - پیوند زده است. همین جاست که چند تمدن، چنانچه: سومری، بابلی، چینی، مصری، هندی گرد آمده‌اند. همین جاست که آثار بزرگ فرهنگی خلق شد. پارسیان فرهنگ ملی خود را نگاه داشتند، می‌توان گفت، آنها حائلی هستند میان خاور و باختر.

این سخنان دُرست و صمیمانه، جایگاه شایسته ایران را که در سده ۲۱، با ابتکار وی، چون سده گفتگوی تمدن‌ها آغاز خواهد یافت، روشن و برجسته تأیید می‌نماید.

کتاب دکتر میرزاده این ۵ باب را دارد: ۱ - «درآمد»، ۲ - «روزنامه‌نگاری ادبی در قرنیه تاریخ مطبوعات دوری ایران»، ۳ - «مجله سخن»: دوره‌های رشد، ارزیابی تیپولوژی، ۴ - «ویژگی‌های

1 - Mirzoda M. M. Zurnal «Sukhan» v sisteme Literaturnoy Zurnalistiki Irana (1940 - 1970 gg) - S. Peterburg, 1999; 165 s.

نقد ادبی و بدیمی در مجله «سخن». فعالیت پرویز خانلری»، ۵- «مسائل انتشارات «سخن» و موضوعات اجتماعی و سیاسی و علمی».

محقق روشن کرده که نخستین روزنامه ایرانی «کاغذ اخبار» عنوان داشت؛ آن را میرزا صالح شیرازی در ۱۸۴۱ م به چاپ رساند. از این روزنامه اکنون تنها یک شماره محفوظ مانده است. در حالی که رسماً گفته می‌شود، «وقایع اتفاقیه» نخستین روزنامه ایرانی است (شماره یکم آن در ۷ فوریه ۱۸۵۱ از طرف میرزا جبارخان تذکره چی چاپ و نشر شده است).

تاریخ مطبوعات ایران را دکتر میرزاده به چهار دوره جدا کرده است: ۱- پایان سده ۱۹ م تا ابتدای ۲۰ م، ۲- از سال‌های ۱۹۱۷ تا دوره جنگ دوم جهانی، ۳- از جنگ دوم جهانی تا انقلاب اسلامی، ۴- از انقلاب اسلامی ایران به این سوی. ویژگی‌های هر یکی از این مراحل، به طور کوتاه، ولی مشخص و مستند، بیان شده‌اند.

در باب دوم، بر مبنای منابع دسترس، نگاهی به تاریخ چاپ به عمل آمده و از زحمات نخستین چاپگران ایرانی: میرزا صالح، میرزا جعفر، زین‌العابدین تبریزی، و... یادآوری شده است. عناوین انتشارات و ناشران و نویسندگان، مضمون و درونمایه نشریه‌ها به طور دقیق قلمداد شده‌اند. چنانچه سخن از ترجمه و نشر فارسی آثار نویسندگان روس: گوگول، تولستوی، گورکی، کریلوف (ص ۴۱)، پوشکین، لرمانتف، نیکراسف، دوستایفسکی، تُرگنیف (ص ۷۱) به میان آمده است.

در باب چهارم (ص ۸۱-۱۰۹) مجله «سخن»، تاریخ انتشار، درونمایه نوشته‌ها، نویسندگان بررسی شده‌اند. مؤلف همچنین، با دلیل و برهان‌ها از خدمات بی‌دریغ میهن خواهانۀ دانشمند فرزانه، دکتر پرویز ناتل خانلری، ناشر و سرپرست «سخن» خیلی گرم قدردانی کرده است. «سخن» به ادبیات معاصر تاجیک نیز توجه داشته، نمونه‌هایی از آثار میرزا ترسون زاده، مؤمن قناعت، لایق شیرعلی، موجوده حکیم او را به طبع رسانده است؛ با چاپ مقالاتی از ادبیات خلق‌های دنیا، خوانندگان ایرانی را در جریان محیط ادبی جهانی قرار می‌داده است؛ ختمال‌زاده، بهار، نفیسی، هدایت، صفا، بهبهانی، زرین‌کوب، بامداد، توللی، مشیری، دولت‌آبادی، کدکنی، ایرج افشار، و... از نویسندگان فعال مجله بوده‌اند.

در باب آخرین از کتاب دکتر میرزاده به تحقیق مقالات سیاسی و اجتماعی «سخن» پرداخته، جایگاه این نشریه را در تحوّل فکری و فرهنگی جامعه ایران روشن کرده است. مجله در زمان موجودیت خویش به مسائل فرهنگ و تمدن ملی، مکتب و معارف، وضع اقتصادی و امثال اینها توجهی جدی داشته است.

تحقیق علمی استاد دانشگاه دولتی سن پترزبورگ دکتر میرزاده، ارمغانی شایسته است در تکمیل و تحکیم دوستی و همکاری‌های مردمان دنیا، و بویژه ایران و روسیه.



## دستور تاریخی گویش‌های زبان کُردی

شادروان دکتر کریم ایوبی و خانم دکتر اِرائیدا اسمرناوا، چه همراه و چه به تنهایی، کارهای سودمند بسیاری در زمینه‌های زبان کُردی و گویش‌های آن، انجام داده‌اند که اهل تحقیق با آنها آشنایی دارند. اینک، اثر تازه‌ی جدی علمی آنها\*، که به زبان روسی، در سن پترزبورگ، (انتشارات فرهنگستان علوم روسیه) به چاپ رسیده است، دسترس گردید.

این کتاب از پیشگفتار و پسگفتار و چهار بخش اساسی عبارت می‌باشد، بدین ترتیب:

۱- اسم،

۲- ضمیر (جانشین)،

۳- پیش‌وند و پس‌وندها،

۴- فعل.

مؤلفان کتاب، پدیده‌های دستوری زبان کُردی را، در زمینه گویش‌های زنده‌ی آن - مانند کور منجی، زازا، اورامانی به تحقیق کشیده‌اند. ارزش ویژه این تحقیقات در آن است که پژوهشگران دنبال ریشه‌های زبانی نیز رفته‌اند، چنانچه بسیاری از واژه‌ها را با «اوستا» مقایسه کرده‌اند. از مثال‌های فراوانی که در این کتاب مذکور است، معلوم می‌گردد که برادران کُرد ما از ریشه خود چندان دور نرفته‌اند. به عنوان نمونه، توجه شود به این چند واژه:

در کور منجی:	در «اوستا»:	در فارسی کنونی:
aw	ap	آب
hesp	aspa	اسب
a'wr	awra	اُبر
göħ	gaoša	گوش
gənəm	gantuma	گندم
šev	xšap	شب
duman	dunman	مه

جالب توجه است که بعضی از واژه‌های اوستایی، مانند همین «تُمن» (tuman)، در زبان کنونی تاجیکی نیز همانند گویش کور منجی محفوظ مانده است.

نویسندگان کتاب، با تحلیل ویژگی‌های لهجه‌های اساسی مذکور، بسنده نکرده‌اند، بلکه به بیان

\* I. A. Smirnova, K. R. Ayubi. Istoriko-dialektologičeskaya grammatik a Kurdsckogo yazika. - - S. Peter burg, «Nauka», 1999; 236 s.



خصوصیت‌های گویش‌های دیگر، چنانچه: سینی، گرانی، سلیمانی، مگری نیز پرداخته‌اند. تا آن جایی که اطلاع هست، کتاب جگدید خانم دکتر اسمرناواو روانشاد دکتر ایوبی نخستین تحقیقات جامع علمی است در موارد گوناگون گویش‌های زبان کُردی. امید می‌رود که این کتاب ارزشمند به زبان فارسی ترجمه و چاپ و نشر می‌شود تا مورد استفاده پژوهشگران و دانشجویان قرار گیرد.

## فرقی نمی‌کند!

در کجای دنیا هستید؟

کتابهای ایرانی را از کتیبه بخواهید

تهیه و ارسال انواع کتابهای ایرانی  
برای اشخاص و کتاب‌فروشی‌های  
خارج از کشور

تلفن +۹۸ ۲۱ ۹۳۲۴۵۵

فاکس +۹۸ ۲۱ ۶۴۳۵۱۱۸

خرید مستقیم کتاب از اینترنت

[WWW.Persicul.com](http://WWW.Persicul.com)

[info@persicul.com](mailto:info@persicul.com)